

گزارشی از سفر گروه موسیقی سل به رومانی - دسامبر ۲۰۰۴

نوای یک گام بلند

حمیدرضا عاطفی



حساب شده‌ای آغاز شد. سازها کوک کوک و دست‌ها گرم گرم، به حدی که رقص شمشیر خاچاطوریان که تمامی زیبایی و دلنشینی آن در رعایت دقیق ریتم و مهمتر از آن انتخاب تمپوی خاص و انعطاف در کم و زیاد کردن آن است به نحو مطلوبی اجرا شد و این بار صدای دست حاضران نه تنها به موقع و بجا بلکه قوی‌تر از قبل به گوش می‌رسید و رقص «سل» و نت‌های قبل و بعدش را بدرقه کرد. «نولت» از ریمسکی

کورساکف، «احساس» از موریس البرت، «والس اسپانیایی» اثر امیل والدتوفل، «رقص آذربایجانی» از رستم اف، چهار کنتردناس از تبهوون و رقص «بولروی» فرانسه از هنری راوینا دیگر قطعات انتخابی گروه سل برای جشن یکصدمین سال تاسیس ارکستر فیلامونیک «اولتینا»ی کرایوا بود.

تشویق حاضران به حدی بود که اعضای گروه سه بار از صحنه خارج شده و مجدداً بازگشتند. رضایت در چهره شنوندگان کاملاً مشهود بود. دسته‌های گل که غالباً از سوی ایرانیان - که تعداد آنها در شهر کرایوا به ۱۰ خانوار نمی‌رسید - به گروه سل تقدیم شد و بدین ترتیب شبی به یادماندنی از معرفی نوعی از موسیقی کلاسیک ایرانی شده (نوستالژی) و قابلیت‌های نوازندگان ایرانی و فهم و درایت آنها در تدوین و ترکیب کنسرتی شنیدنی رقم خورد.

تقریباً تمامی بزرگان ارکستر فیلامونیک کرایوا که همگی بالای ۷۰ سال سن داشتند و بهترین ایام فراغت خود را شرکت در کنسرت‌ها و برنامه‌های فیلامونیک می‌دانند شاهد اجرای برنامه سل بودند. «الکساندر راکو» پیرمرد خوشرو و پاکدلی که سال‌ها مسئولیت رهبری گروه کر را بر عهده داشته به نیکی و با تعریف زایدالوصفی درباره این اجرا صحبت کرد. رهبر سابق ارکستر سمفونیک نیز با ابراز شگفتی از توانایی این گروه گفت من قبلاً در مورد موسیقی محلی ایران چیزهایی شنیده بودم اما هرگز فکر نمی‌کردم شما (ایرانی‌ها) در این بخش چنین جایگاهی داشته باشید. کمتر از ۲۴ ساعت پس از اجرای گروه سل فاصله‌ای بود تا بیشتر هنرمندان رومانیایی به ابراز احساسات خود در قبال حضور گروه ایرانی پردازند و از نزدیکی و ارادت خود به ایرانیان و مشترکات هنری سخن بگویند. «نیکو کرتسوا» که فوران احساساتش موجب شده بود تا مدام کلام «محمود نوری» (مترجم) را با فریاد «نیوری»، نیوری گفتن خود قطع کند، می‌گفت: هر چقدر که به لحظه خداحافظی نزدیک‌تر می‌شویم احساس می‌کنم به زودی قطعه‌ای از قلبم کنده خواهد شد. این مرد فربه یکصد و چند کیلویی که مسئولیت رهبری ارکستر فولکلوریک کرایوا را بر عهده دارد دارای روحی سیال و احساسی لطیف و ظریف بود. (این گفته «کرتسوا» ما را به یاد صحنه‌هایی از فیلم‌های هندی انداخت.) به هر حال کرتسوا به همراه خواننده متمول‌اش که از مهندسان سرمایه‌دار رومانی است آنچه در توان داشتند گذاشتند تا گروه ایرانی را با موسیقی محلی و ملی خود سیراب کنند.

جایزه‌ای بود که آن آهنگساز جوان در قبال یکصد هزار مارک دریافت کرد. حیات کتابخانه‌ای گرانبها و ارزشمند - که روح هنرمندان و موسیقیدانان بزرگ دنیا در آن جاری است - ما به ازای جایزه یکصد هزار مارکی اثر «نوستالژی»ی آهنگساز خوش قریحه بود که در حقیقت خود به یک «نوستالژی» شیرین برای مه‌آبادی مبدل شد. پس از اجرای نوستالژی، رویای نیمه شب تابستان اثر آهنگساز بزرگ فرانسوی «هنری پورسل» که برگرفته و براساس داستانی از «ویلیام شکسپیر» ساخته شده است اجرا شد. این اثر ده قسمتی نیز با دقت و ظرافت خاص گروه و با تمپوی مناسب و بدون افت و خیز زیاد به اجرا گذاشته شد. اجرایی پراحساس و لطیف که لازمه و ویژگی مهم اثر رویای نیمه شب تابستان و تاثیرگذاری آن منوط به رعایت همین نکات است. گروه سل در اجرای بخش اول بدون سنت شکنی، لام تا کام صحبتی نکردند و هرگز نخواستند تا کلمه‌ای بر زبان بیاورند و راجع به قطعات و معرفی آنها حرفی بزنند.

همین موضوع موجب شد تا تماشاچیان به خود جرات ندهند تا در پایان قطعات و حتی در پایان آخرین قطعه دست بزنند و احتمالاً دچار خطا شوند! این موضوع را تا حدودی می‌توان به صلابت و تسلط و اشراف گروه بر صحنه و جمعیت حاضر در آن ربط داد و تعبیر کرد. رئیس فیلامونیک شهر کرایوا که خود از نوازندگان بزرگ پیانو به ویژه در شرق اروپا است ضمن تایید کلی کار گروه سل تنها نقص کار را در اعلام نکردن اسامی قطعات توسط گروه برشمرد. «انگرانو» که قول سفر به ایران و حتی نوازندگی در جشنواره موسیقی امسال را همان جا به مسئول امور بین الملل مرکز موسیقی داد در این باره گفت: کار گروه بسیار خوب و شسته رفته بود. تسلط در عین آرامش و نرمی ویژگی اجرای این گروه بود و این برنامه باعث شد تا موسیقیدانان رومانیایی حساب دیگری روی موسیقی کلاسیک در ایران باز کنند. بخش دوم برنامه با اندکی فاصله آغاز شد. ورود اعضای گروه به صحنه همچون بخش نخست با نظم و ریتم مناسب گام‌های آنها همراه بود. منتها این بار لبخندی که حاکی از رضایت نوازندگان از نیمه اول اجرا بود بر لبانشان مشاهده می‌شد. طراحی مه‌آبادی در بستن یقه پیراهن سفید که در ایران با حساسیت خاصی مواجه است! جذاب می‌نمود. نواری چرمی با دکمه‌ای در تلاقی دو سر نوار مشکل را به راحتی حل کرده بود. اولین قطعه بخش دوم با مکث

گرفته بودند به خوبی با موسیقی ایرانی آشنایی داشتند. همان‌ها که دونا (آقای) پیروزی از زبانشان نمی‌افتاد در جشنواره‌های پیشین موسیقی فجر بیشتر از آنکه با موسیقی ایرانی آشنا شوند، با خود و خصلت ایرانی‌ها و میهمان‌نوازی ایشان آشنا شده و دل‌باخته آن شده بودند و جالب اینکه «نیکو کرتسوا» رهبر ارکستر فولکلوریک «کرایوا» موسیقی ایرانی را موسیقی «دل» و موسیقی «مهر» می‌دانست و شاهد گفته‌اش را نگاه مهرورزانه موسیقیدانان ایرانی و مهمان‌دوستی ایرانیان می‌آورد!

هواپیمای گروه ایرانی در بخارست به زمین نشست و چون برگزاری فستیوال در شهر کرایوا در ۲۳۰ کیلومتری غرب بخارست بود، دو اتومبیل از سوی میزبانان برای انتقال گروه به فرودگاه آمده بود.

«یون کرتیانو» خواننده گروه موسیقی فولکلوریک «کرایوا» صاحب و راننده یکی از اتومبیل‌ها بود! وقتی چند روز بعد یکی دیگر از خوانندگان مطرح رومانی با اتومبیل شخصی خودش گروه را برای بازدید از چند محل تاریخی کرایوا راهنمایی می‌کرد، شمای ویژه‌ای از خلقیات هنرمندان و اهالی موسیقی در شهر کرایوا در ذهن ما ایجاد شد. خصوصیت افتادگی، عدم تکبر و به اصطلاح ایرانی‌ها «خاکی بودن» در منش اکثر موسیقیدانان رومانیایی مستتر بود. به هر حال دو روز کامل فرصت خوبی بود برای تمرین نهایی گروه «سل» تا در پنج‌شنبه دوم دسامبر با آمادگی کامل به روی صحنه تالار فیلامونیک حاضر شوند. در شب موعود سالن مملو از جمعیت بود به طوری که فقط چند صندلی خالی در ردیف اول مشاهده می‌شد. اما این صندلی‌ها برخلاف

تقریباً تمامی بزرگان ارکستر فیلامونیک کرایوا که همگی بالای ۷۰ سال سن داشتند شاهد اجرای برنامه سل بودند

رسم معهود در ایران برای مسئولان و مقامات خالی نگهداشته نشده بود چرا که «انگرانو» رئیس فیلامونیک در انتهای سالن و به طور ایستاده برنامه را زیر نظر داشت. آغاز برنامه با اجرای سونات «نوستالژی» اثر بهمن مه‌آبادی همراه بود، این اثر در «لامینور» نگاشته شده و کاملاً حال و هوای موسیقی ایرانی را در خود نهفته داشت. بیات اصفهان و گاه فراز و فرودهایی که بیشتر گوشه‌هایی از دستگاه همایون را تداعی می‌کرد اثر بسیار زیبایی «نوستالژی» را رنگ و بویی شرقی و ایرانی بخشیده بود. «آندانته»، «لارگو» و «الگرو» سه موومان سونات نوستالژی بود. مه‌آبادی حدود ۲۰ سال پیش این اثر را ساخته که در بوته نقد و داوری اروپاییان سربلند بیرون آمده و مستحق جایزه شناخته شده بود. یکصد هزار مارک جایزه برای «نوستالژی» آن هم در دو دهه قبل جایزه بزرگی محسوب می‌شد. جایزه‌ای که هرگز مه‌آبادی حاضر به دریافت وجه نقد آن نشد. «کتاب» بهترین گزینه و

گرچه لغو سفر اتوبوسی ارکستر سمفونیک تهران به رومانی و دستور پرداخت مابه‌التفاوت بهای بلیت اتوبوس با هواپیما که از سوی ریاست جمهوری صورت گرفت نتوانست هواپیمای ارکستر را از زمین مهرآباد برکند و بر فراز کشور رومانی به پرواز در آورد، اما تقدیر چنان بود که به فاصله کمتر از یک سال، یک گروه چهارنفره ایرانی در این کشور چنان پرصلابت و مقتدر بر روی صحنه حاضر شد که ارکستر ۶۰ نفره ایتالیا در کنار آن رنگ باخت. گروه «سل» به سرپرستی «بهمن مه‌آبادی» و نوازندگانی چون هومن اختر، پوریا کشاورز و ناهید ابطیحی در فستیوال بین‌المللی یکصدمین سال تاسیس ارکستر سمفونیک «کرایوا» در رومانی شرکت کردند.

اول دسامبر (فردای روزی که گروه ایرانی به رومانی رسید) مصادف بود با «روز ملی رومانی» روزی که این کشور با همین مختصات جغرافیایی شکل گرفته است. به همین مناسبت برنامه‌های جشن و اجرای موسیقی و رقص در سراسر کشور اجرا می‌شد و منطقه «اولتینا» با مرکزیت کرایوا از این نظر غنای خاصی داشت. حضور ارکستر بسیار حرفه‌ای فولکلوریک با رهبری «نیکو کرتسوا» (که قبلاً به ایران آمده است) در مرکز شهر و اجرای بیش

از ۴ ساعت رقص و موسیقی فرصت بسیار خوبی بود برای آشنایی بیشتر با این نوع موسیقی در رومانی. این فرصت بیش از همه برای «مصطفی اکبری فرد» که از سوی مرکز موسیقی برای انتخاب گروه‌های محلی به منظور دعوت برای شرکت در جشنواره موسیقی فجر اعزام شده بود مفید بود. هر چند «نیکو» در فرصت جداگانه‌ای مسئولان مربوط (پیروزی و اکبری فرد) را برای نشان دادن توانایی‌های گروه‌اش دعوت کرد و به هنرنمایی پرداخت. به هر صورت در آن روز و آن ایام رقابت‌های انتخاباتی رومانی در اوج خود بود با این حال روزنامه‌ها نوشتند که جار و جنجال‌های انتخاباتی در نوای موسیقی روز ملی محو شد!

بگذریم، موضوع اصلی ما فستیوال بین‌المللی موسیقی در اولتینای رومانی بود. در این فستیوال علاوه بر ایران، گروه‌هایی از چند کشور اروپایی به اجرای برنامه پرداختند، اما اجرای گروه ایرانی از ویژگی‌های مهمتری برخوردار بود. این که از کشوری آسیایی یک گروه موسیقی کلاسیک غربی در قالب «آسامبل سل» به رومانی برود شاید در وهله اول مصداقی باشد برای این ضرب‌المثل معروف «زیره به کرمان بردن»، هر چند که نه این گروه را می‌توان به «زیره» تشبیه کرد و نه آن کشور را می‌توان با کرمان برابر گرفت! به هر حال میزبانانی که در شهر کرایوا یکصدمین سال تاسیس ارکستر فیلامونیک‌شان را جشن